



تعیین شاخص‌های معرف محصول فرهنگی هنری ایرانی - اسلامی در نظام جمهوری اسلامی

- ^۱ مهدی حقیقی کفاش*
^۲ محمود محمدیان
^۳ محمدرضا تقوا
^۴ محمدرضا اسماعیلی

چکیده:

هنر ایرانی - اسلامی به عنوان یکی از ارزشمندترین عوامل فرهنگی برای دستیابی به اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های گوناگون محسوب می‌شود؛ ولی آیا هنر کشور در حال حاضر در خدمت اهداف انقلاب قرار دارد، یا بی تفاوت و نیز در تقابل با آن عمل می‌کند؟ اگرچه پس از انقلاب، آثار ارزشمندی در حوزه‌های گوناگون فرهنگی و هنری تولید شده است؛ ولی آیا همه آثار پدیدآمده در این بازه زمانی از شاخصه‌های جوهری اسلامی و ایرانی بودن برخوردارند؟ برای یافتن پرسش، نخست، باید مرز میان اثر ایرانی - اسلامی با اثر ایرانی - غیراسلامی و در برخی موارد ضداسلامی یا ضدایرانی مشخص گردد تا دست کم در سطح سیاستگذاری‌های کلان، شفاف سازی صورت پذیرد. این پژوهش می‌کوشد با الهام از معارف اسلامی و مبتنی بر نظر اندیشمندان اسلامی معاصر و صاحب نظران متعهد حوزه هنر، شاخص‌های کلان برای تعیین حدود و معیارهای تشخیص ایرانی - اسلامی بودن آثار هنری - فرهنگی اعم از آثار نمایشی و رسانه‌ای، هنرهای تجسمی و هنرهای سنتی با رویکرد اصلاح و تکمیل استخراج و ارائه گردد که در نتیجه

۱. دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول).

۲. استادیار دانشگاه علامه طباطبائی.

۳. دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی.

۴. دانشجوی دکتری

ویژگی‌های سه عامل «هنرمند»، «پیام» و «شکل»، به عنوان علل ثلاثه پدیدآیی اثر هنری، به عنوان شاخص‌های اصلی و کلان در ارزیابی و تعیین ایرانی - اسلامی بودن آثار هنری شناسایی و بررسی شده است.

کلید واژه‌ها: ماهیت فرهنگ و هنر، هنر اسلامی، هنر دینی، هنر انقلاب اسلامی، شاخص‌های هنر ایرانی - اسلامی.

۱۳۳

دو فصلنامه علمی - پژوهشی

مطالعات

قدرت نرم

مهدی حقیقی کفایش و همکاران

تعیین شاخص‌های معرف محصول فرهنگی هنری ایرانی - اسلامی در نظام جمهوری اسلامی

مقدمه

هنر مقوم فرهنگ است و البته پس از آنکه پدید می‌آید، به امری فرهنگی مبدل می‌شود. منظور از مقوم بودن هنر و نسبت هنر و فرهنگ، اثبات تقدم علی و علت هنر نیست، بلکه فرهنگ با هنر می‌بالد و ماهیت خود را می‌یابد. فرهنگ با آثار هنرمندان قوام می‌یابد. به بیان فلسفی، هنر مقوم «ماهیت» فرهنگ است، نه علت «وجود» آن (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۴). هنر و قالب‌های گوناگون آن که سازنده محصولات فرهنگی‌اند و وظیفه تبیین حقایق جهان، انسان و جامعه را بر عهده دارد. هنر با این تلقی تأثیر شگرفی در اعتلای باورها، هنجارها، رفتارها، و به تبع آن شکل‌گیری فرهنگ مطلوب در جامعه دارد. لذا توجه به تعریف تولیدها و فعالیت‌های هنری که در دسته‌بندی‌های جدید در زیرمجموعه صنایع و محصولات فرهنگی اطلاق می‌گردد، از اهمیت برخوردار است؛ به گونه‌ای که هنر و هنرمند ابزاری برای انتقال، تهاجم یا تعامل فرهنگی - و به پشتوانه آن، فکری، سیاسی و اقتصادی - تلقی می‌شود. با توجه به این ضرورت، پژوهش حاضر بر آن است شاخص‌های ایرانی - اسلامی بودن محصولات فرهنگی را شناسایی و تبیین کند. بدین منظور با جمع‌آوری تعاریف، ویژگی‌ها، هنجارهای هنر اسلامی، هنر دینی، هنر انقلابی و دیگر کلیدواژه‌های متناظر، از راه مراجعه به برخی نظرات بنیانگذاران و اندیشمندان انقلاب اسلامی، تم‌های عمومی و تخصصی به تفکیک حوزه‌های هنری موجود در دامنه پژوهش، شناسایی و مورد تحلیل قرار خواهد داد.

۱. بیان مسئله

چنانچه از منظری تاریخی بنگریم، هنر همزاد همیشه بشر بوده است. در ایران نیز آثار بسیار هنری - فرهنگی متعلق به دوران پیش از اسلام موجود است. پس از پذیرش اسلام، هنرمندان ایرانی آثار هنری خود را بر اساس عناصر هنر ایرانی و فضای معنوی همسو با فرهنگ و جهان‌بینی اسلامی پی نهادند لذا شاکله هنر اسلامی در ابتدای امر، به خودی خود و به طور مستقل به وجود نیامده است بلکه با بررسی آثار هنری پیش از اسلام، مشاهده می‌شود در بسیاری موارد، عناصر و الگوهای کهن ایرانی در آثار هنری سده‌های اول دوره اسلامی حضور جدی دارد و هنرمندان مسلمان خود را در جایگاه بازاندیشی، بازآفرینی، بازسازی و روزآمدسازی هنر ایران مبتنی بر مبانی و شاخصه‌های دین مبین اسلام قرار داده‌اند و ایده‌ها و آموزه‌های هنری خود را در چهارچوبی برگرفته از ارزش‌ها و سنت‌های اسلامی خوانش، باز فهم و باز تولید کرده‌اند. این مسیر تحت تأثیر برخی کلان رخدادها چون حادثه‌ای عصری انقلاب اسلامی، صورت عمیق‌تری یافته

است (ر.ک: آوینی، ۱۳۹۱، ص ۲۳). اما فقدان معیارهایی برای ارزش گذاری و داوری محصولات هنری فرهنگی، از موانع تبیین این جریان است. نبود شاخص باعث می شود هر اثری به صیرف نمایش آیه ای از قرآن، یا حضور مولفه هایی به ظاهر دینی، در زمره آثار دینی تلقی شود؛ هر چند کوچک ترین اثر انسان سازی نداشته، یا حتی باورهای مخدوشی را به مخاطب منتقل کند؛ یا اثری درباره یک شخصیت ایران باستان، ایرانی نامیده شود، درحالی که کلیت آن نسبتی با فرهنگ و اندیشه ایرانی ندارد. تدوین شاخص ها همچنین کمک می کند هنر انقلاب اسلامی نسبت خود را با هموندهای هنری مورد استفاده هنر غربی — به طور مثال تمسک به غرایز، سرگرم سازی و اغوای مخاطب — مشخص کند (ر.ک: اقبال افسری، ۱۳۹۵). پژوهش حاضر با این هدف بر آن است به اختصار به دو پرسش پاسخ دهد: ۱. تعریف هنر «ایرانی-اسلامی» در مفهوم جدید چیست؟ ۲. شاخص های ایرانی-اسلامی بودن محصولات فرهنگی هنری کدام اند؟

۲. روش شناسی تحقیق

روش تحقیق با توجه به موضوع بحث کیفی و مبتنی بر متد تحلیتم، انتخاب شده است. اطلاعات در مرحله اول از راه مطالعه آرا و مکتوبات اندیشمندان مسلمان در باب هنر دینی و هموندهای آن، جمع آوری گردید و در مرحله بعد، یافته های مرحله اول، برای رسیدن به شاخص هایی کاربردی مناسب نیاز روز کشور، در معرض نظر، تفسیر و تبیین تئوری چند از کارشناسان قرار گرفت که در محصول آن در بخش نتیجه گیری، در قالب شاخص های نهایی مندرج است.

۳. ادبیات نظری

لازم است نخست تعاریفی از هنر دینی، اسلامی و قدسی مرور شود و سپس بر اساس تمها، مطالب جمع آوری شده ارائه گردد.

۱- ۳. تعاریف و واژگان

ایرانی: هر آنچه از حیث زمین، زمان و زبان، به سرزمین ایران متعلق باشد، «ایرانی» نامیده می شود و البته در صورت مطلوب آن، مقوله ای است که به باورها، تاریخ، فرهنگ و ارزش های ایرانی پایبند باشد. در این مقاله با توجه به رویکرد تحقیق، ایرانی در معنای ایران معاصر اختیار شده است؛ یعنی هر آنچه برآمده یا مبتنی بر باورها، فرهنگ و ارزش های ایران امروز است.

اسلامی: هر آنچه متعلق و متعهد به مبانی، آرمان ها، ارزش ها و هنجارهای اسلام است و در معنایی گسترده تر، به وسیله مسلمانان ابداع یا بیان شده است.

ایرانی — اسلامی: هر آنچه در دایره اشتراک ایرانی بودن و اسلامی بودن قرار گیرد و مبانی و هویتی معارض با هیچ یک از این دو نداشته باشد، می تواند ایرانی اسلامی نامیده شود و در این تحقیق با توجه به رویکرد اختیار شده، هر آنچه را بر باورها، آرمان ها، ارزش ها و هنجارهای نظام جمهوری اسلامی ایران یا گفتمان انقلاب اسلامی مبتنی باشد، ایرانی اسلامی می نامیم.

هنر دینی: هنر، بازآفرینی و بازنمایاندن یک «عین» یا یک «معنا» است. اگر بازآفرینی با اقتباس از «نسخه الهی» آن صورت گیرد و با قبس از حضرت او ممکن است، هنر قدسانی است؛ و اگر تحت تأثیر مشیت شیطان و به تلبیس ابلیس صورت ببندد، هنر نفسانی است. ضمن آنکه به طور کلی غیرممکن است در عالم، نقش و صورتی به دور از پیام بتوان به تصویر کشید هنر دینی میان فطرت الهی انسان و طبیعت هماهنگی برقرار می‌کند و طبیعت را به سمت فطرت ببرد. هر هنری که در چهارچوب دین، به خلاقیتی مؤدی شود که فطرت‌پذیر باشد، هنر دینی است. (ر.ک: رشاد، ۱۳۹۵، ص ۲۶-۲۸). آیت‌الله مصباح یزدی، هنر دینی را ثبوتاً هنری می‌داند که سبب کمال حقیقی انسان شود و اثباتاً هنری است که دین آن را تجویز می‌کند. طبق دیدگاهی، هنرهایی که متعلق‌شان امور دینی است، به لحاظی شایع «هنر دینی» خوانده می‌شوند و بنا بر دیدگاه استاد مصباح یزدی، ویژگی این هنرها آن است که با شعارها و شعارهای دین ارتباط می‌یابند. هنرهایی مانند تذهیب و خوشنویسی که در خدمت قرآن به کار می‌روند یا کاشی‌کاری، معرق‌کاری و مقرنس‌کاری که در ساخت مساجد، معابد و دیگر بناها و سازه‌های دینی به کار می‌روند (ر.ک: تاجیک و سربخشی، ۱۳۹۰، ص ۲۱ - ۲۲). به بیانی دیگر، معارفی را که همه ادیان حقیقی به نشر آن در میان انسان‌ها همت گماشته‌اند، در ذهن‌ها ماندگار سازد (ر.ک: گزیده‌ای از بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۴).

هنر اسلامی: هنر دینی در دامنه همه ادیان موضوعیت می‌یابد و هنر اسلامی برای جامعه مسلمانان و ذیل تفکر دین خاتم تعریف شده است.. هنر قدسی اسلام، هم از جهت صورت و هم معنا با «کلام الهی» و وحی قرآنی مناسبت دارد و بازتاب وحی در دنیای خاکی است. در معنای حدافلی برخی چون سیدحسین نصر، هنری که از نظر اسلام به معنای دقیق لفظ «قدسی» تلقی می‌شود، قرائت و تلاوت قرآن کریم است که همچون نیرویی روحانی، نقطه اتکای شعر و موسیقی همه ملل مسلمان به شمار می‌رود (نصر، ۱۳۷۰، ص ۴۵ - ۶۰). اما با نگاهی حداکثری، هنر اسلامی، هنری است که می‌کوشد با حقیقت اسلام رابطه مستقیمی داشته باشد و آن را روایت کند (نوروزی‌طلب، ۱۳۸۸، ص ۲۶) و بعضاً منابع و ادله دینی آن را معرفی، تجویز یا ترغیب کرده‌اند. از دیدگاه دیگری - دیدگاه تاریخ‌پژوهی، مطالعات هنر و جامعه‌شناختی - لفظ هنر اسلامی به مجموعه آثار هنری اطلاق می‌شود که به دوران اسلامی متعلق است (همان). در این تلقی، نمود خارجی اسلام مد نظر است؛ بنابراین هنر اسلامی یعنی اثری هنری که مسلمانان با ویژگی‌ها و اهداف خاص آن را به وجود آورده‌اند (همان). با این حال اگر هنر اسلامی را حامل اعتقادات و اصول وحی الهی بدانیم، اصطلاح هنر اسلامی به هنر ساخته شده دست مسلمانان محدود نخواهد بود؛ هرچند نوع هنری رایج در یک تمدن، در کلیت خود به ساختار معنوی و دینی بستگی دارد که آن تمدن را به وجود آورده است (نوروزی‌طلب، ۱۳۸۸، ص ۱۵).

۲-۳. شاخص‌های هنر اسلامی^۱

تم‌های احصا شده، به تفکیک در دو بخش «هنر اسلامی در معنای کلی» و «شاخه‌های هنری» قابل ارائه است.

۱-۲-۳. هنر اسلامی به مثابه مفهومی کلی^۲

شاخص‌های استقرایی به شرح ذیل است:

الف) تم شناسایی شده: هنرمند

هویت ملیتی و دینی هنرمند: هنرمند به مثابه علت فاعلی اثر هنری، اصلی‌ترین علت وجود آن است. پیش از این بیان شد: در یک تلقی، «هنر اسلامی» هنری است که به وسیله مسلمانان خلق شده باشد. برخی حتی آثاری که تحت حمایت یا حاکمیت مسلمانان در ممالک اسلامی به وجود آمده و دارای مؤلفه‌های هویتی آن سرزمین است، به‌رغم اینکه آفرینندگان این آثار نه فقط از ملیت‌های گوناگون بوده‌اند، حتی الزاماً مسلمان نیز نبوده‌اند، در ذیل هنر اسلامی، در معنای تاریخی و تمدنی آن، تعریف کرده‌اند؛ لذا مستشرقین در ذیل «هنر اسلامی» یا «معماری اسلامی» از «هنر اسلامی یهودی» و «معماری اسلامی مسیحی» و مانند آن نام می‌برند (ر.ک: بوربور، ۱۳۶۶، ص ۱۱۳).

صفای باطن هنرمند: منشأ هنر اسلامی، اسلام مطلق است که در روح هنرمند مسلمان متجلی می‌شود؛ پس لازم است هنرمند شوایب نفسانی را از خود بزدايد و با سلوکی معنوی آمادگی لازم را برای دریافت پیام الهی در خود فراهم آورد. هنر اسلامی با معرفت و سلوک عرفانی به عنوان شرط لازم تحقق هنر اسلامی، پیوندی وثیق دارد. او باید همچون آینه‌ای بی غبار و منعکس‌کننده «انوار مطلق الهی» باشد (محمدی، ۱۳۸۸، ص ۷۶). روح اگر خود زیبا نباشد، زیبایی را نمی‌تواند ببیند. خداوند زیبایی مطلق است و روح که بستر آفرینش هنری است موجودی خدایی و خود جزئی از زیبایی است (ر.ک: نوروزی، طلب، ۱۳۸۸، ص ۱۸). شروع هنر اسلامی از حس عبودیت هنرمند یا انبساط روح اوست. ذوق هنری و باطن پاک، دو عنصر کلیدی‌اند که شالوده اصلی هنرمند مسلمان را تشکیل می‌دهند (نوروزی، ۱۳۸۷، ص ۸). هنر حقیقی، هنری فطری و اکتشافی است؛ در قیاس با هنر فنی که اکتسابی است. جوهره هنر سماوی، فراستی، فرصتی و غیرقابل فراگیری است، نه فراورزیدنی و فرا آموختنی. هنر فطری از باطن مصفاي هنرمند برخیزد؛ به همین جهت دل‌انگیز و روح‌نواز است، نه هوس‌انگیز و حس‌نواز؛ در نتیجه گاه و به‌طور نسبی،

۱. از آنجاکه هنر ایرانی - اسلامی را می‌توان همان هنر دینی و اسلامی در آینه امروز در نظر گرفت - که اثبات آن در بخش‌های انتهایی مقاله ارائه می‌گردد - این عنوان اتخاذ شده است.

۲. از ذکر وصف «ایرانی» پرهیز شده است؛ زیرا هنر اسلامی که از این خاک سر برآورد و رنگ و بوی تاریخ و فرهنگ این مرز و بوم به خود بگیرد، هنر اسلامی ایرانی است.

اثر هنری ساخته هنرمند غیر مؤمن به وحی، ولی برخوردار از فطرت بالنسبه پالوده، ناخودآگاه به فطرت نزدیک و به هنر قدسی شبیه می‌شود (رشاد، ۱۳۹۵، ص ۳۰ - ۳۱).

خط فکری و مبانی نظری هنرمند: غایت هنر، غایت هنرمند و غایت حیات هنرمند در فلسفه هنر، نمی‌توانند با یکدیگر غیر مرتبط دیده شوند. متفکر اخلاقی چگونه از «هنر بی هدف» می‌تواند بگوید؟ فیلسوف چگونه می‌تواند فلسفه معقول و هدف‌داری برای هنر در نظر بگیرد؟ آن کس که به فقدان غایت متعالی برای «حیات انسانی» باور آورد و موجودیت انسان را به مثابه منشأ هنر و مصرف‌کننده آن، فارغ از «غایت» بداند، طبیعی است برای آثار هنری نیز غایتی منطقی و جهتی اخلاقی نخواهد پذیرفت (ر.ک: رحیم‌پور ازغدی، ۱۳۹۲) و هنرش نیز جنبه‌ای سرگرمی‌جویانه، لذت‌گرایانه، پوچ، فارغ از معنا و خالی از حقیقت خواهد بود. هنرمندی می‌تواند اثری برای ایران اسلامی امروز بیافریند که انقلاب اسلامی را بر پایه هویت اسلامی و لزوم تأسیس حکومت اسلامی به رهبری ولی فقیه باور داشته باشد (ر.ک: فرخی و افتخاری، ۱۳۹۳، ص ۲۴).

دغدغه بازیابی هویت تاریخی فرهنگی: هنرمند صادق کسی است که به جای ارزیابی خویشتن با موازین غرب، بکوشد خود را بشناسد و عقده حقارت در برابر غرب را که از جهل نسبت به سنت و فرهنگ ایران و غفلت از ماهیت واقعی غرب مدرن ناشی می‌شود، بازگشاید (نوروزی‌طلب، ۱۳۸۸، ص ۱۸).

تعهد و دغدغه‌مندی هنرمند: هنرمند، هم در باب فرم و قالب هنر خود و هم در قبال مضمون آن تعهد دارد. اینکه [از حیث هنری] به سطح پایین اکتفا نکند یک تعهد است. تعهد در قبال مضمون نیز مطرح است. از چه سخن باید گفت؟ اگر انسان محترم و عزیز است، دل، ذهن و فکر او نیز عزیز و محترم است (ر.ک: گزیده‌ای از بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۴).

درک صحیح هنرمند از مسائل زمانه: رهبر انقلاب اسلامی از هنرمندان می‌خواهد حقیقتی را که درک می‌کنند، تبیین کنند. از آنها انتظار نیست بر خلاف آنچه می‌فهمند، حرف بزنند؛ ولی کوشش و مجاهدت کنند تا در حوادث فتنه‌گون، آنچه را صحیح است، بشناسند. بی‌بصیرت، دون شأن یک انسان هنری و یک انسان فرهنگی است. به تعبیر ایشان، هنرمندان باید مرد زمان و زمانه خویش باشند (همان).

(ب) تم شناسایی شده: فرم و شکل بیان (صورت)

بیان نمادین و رمزی: آثار هنری عموماً در سه سطح «بازنمایی طبیعت»، «تجریدی» و «نمادین» ارائه و دریافت می‌شوند. قرابت هنر ایرانی در دوره اسلامی با معارف معنوی، سبب شده است ارائه آثار هنری ایرانی اسلامی بیشتر در سطوح تجریدی و نمادین توفیق داشته باشند. هنرمندان کمال مطلوب، تجرید و ایجاز را بر واقعیت و طبیعت‌گرایی ترجیح داده‌اند. فرهنگ معنوی برگرفته از مذهب — در دوران باستان و دوران اسلامی — است که ابعاد معنوی و طبع هنرمندان را به این جهت شکل داده است و در نهایت، یکی از

شاخصه‌های مهم هنر ایرانی، نگاه تجربیدی و نمادین هنرمند در اثر هنری خویش است (محمدی، ۱۳۸۹، ص ۷۶). هنرهای سنتی اسلامی اغلب بیانی نمادین دارند قالب بیان، استطاعت کافی برای ظهور تام و تمام معنا امر قدسی و متعالی را آنگاه که در صورت محسوس ظاهر می‌شود، ندارد. در نتیجه محتوا به صورت — فرم و شکل بیان — غلبه می‌یابد. بیان نمادین و رمزی، از نامتناهی بودن معنا حکایت دارد. صور نمادین و رمزی، اغلب به معانی دلالت دارند که با صور طبیعی و واقع‌نما به بیان آن معانی نمی‌توان پرداخت (ر.ک: نوروزی‌طلب، ۱۳۸۸، ص ۲۴). این امر که هنر دینی، هنری رمزی و سمبولیک است، در میان صاحب‌نظران، کمتر مخالفی دارد تا آنجا که می‌توان مدعی شد ماهیت هنر دینی در رمز و نماد خلاصه می‌شود (ر.ک: پورحسن‌درزی و کوششی، ۱۳۸۸، ص ۱۳).

دینی بودن توأم قالب و محتوا: در پاسخ به این پرسش که «دینی بودن هنر فقط در محتوا موضوعیت می‌یابد یا متعلق صورت نیز هست؟»، همگان اتفاق نظر دارند که «محتوا» می‌باید الزاماً دینی باشد؛ ولی در مورد «صورت»، برخی آن را نسبت به دینی و غیردینی بودن امری لابلشروط می‌دانند؛ بنابراین مدخلیت برای آن در دینی بودن اثر هنری قائل نیستند؛ ولی باید گفت هنر دینی یا اسلامی، تجلی عوالم روحانی و تصویر محسوس و ملموس آن است. بر این اساس همواره صورت محسوس، نماد صورت و معنایی روحانی است. شکلی ظاهری و صوری اثر هنری، وسیله انتقال محتوای مد نظر هنرمند است و تجسم فیزیکی و ماده آن محتواسست؛ ناگزیر از محتوا جدا نیست. بنابراین فقط هنری دینی است که صورت و فرم آن نیز با دین همخوان باشد (ر.ک: نوروزی‌طلب، ۱۳۸۸، ص ۸۱). بعضی قالب‌ها با مفاهیم و معانی دینی بهتر ارتباط برقرار می‌کنند و برخی دیگر، قابلیت و ظرفیت بیان و تحمل اندیشه‌ها و معانی دینی را ندارند (ر.ک: پورحسن‌درزی و کوششی، ۱۳۸۸، ص ۱۳). از دیدگاه اعوانی نیز روش و صورتی که هنر با آن بیان می‌شود، در دینی بودن هنر شرط است (ر.ک: اعوانی، ۱۳۷۵، ص ۳۳۱)؛ بنابراین جای دادن مفاهیم اسلامی در فرم‌های دیگر ادیان پاسخگو نیست؛ زیرا توان و عمق ذاتی تعالیم اسلام ظرفی دقیق‌تر و پُرظرفیت‌تر از آنها می‌طلبد (ر.ک: نوروزی، ۱۳۸۷، ص ۸).

عدم اکتفا به نمایش ظاهری اسلام: اثر هنری اسلامی در عین رعایت ظواهر شرعی، نباید در سطح ظاهر باقی مانده یا صورتی شعاری یابد. همچنین نمی‌توان بر اساس ظاهر اثر، در مورد اسلامی یا غیراسلامی بودن محصول هنری قضاوت کرد. آیا اکتفا به ارائه تصویری - هرچند دقیق - از زندگی مردم در صدر اسلام در اثر هنری به معنای اسلامی بودن آن محصول است؟ آثاری همچون مسجد قرطبه که به فرمان عبدالرحمن اول با منبری از عاج برای نشان‌دادن شکوه بنی‌امیه بنا شده، با گفتمان اسلامی مناسبتی دارد؟ خطوط و نقاشی‌هایی که فقط برای ایجاد شگفتی به کار گرفته شدند، نقش اسلام می‌زنند؟ (ر.ک: مظلومی، ۱۳۶۱، ص ۵۳) لذا اکتفا به رعایت حدود شرعی، شرط لازم است اما پرداختن به امری اسلامی،

حتماً به معنای اسلامی بودن اثر هنری فرهنگی نیست بلکه آنچه تعیین کننده است روح و رویکرد اسلامی است.

۱۳۹

دو فصلنامه علمی-پژوهشی

مطالعات

قدرت نرم

مهدی حقیقی کفایش و همکاران

تعیین شاخص‌های معرف محصول فرهنگی هنری ایرانی - اسلامی در نظام جمهوری اسلامی

تناسب پیام و نوعی هنری: این مطلب که چه مفهومی در چه قالب هنری امکان طرح و بسط و تعمیق بیشتری دارد، نکته‌ای کلیدی است؛ به طور مثال گاهی برخی مفاهیم در ظرفیت‌های فعلی سینمای ایران قابل ارائه نیست و موجب ضایع شدن سوژه می‌شود؛ ولی همان مفهوم در یک اثر موسیقی به زیبایی قابل پرداختن است (نوروزی، ۱۳۸۷، ص ۸).

ج) تم شناسایی شده: محتوا (باطن) اثر

نسبت با قرآن و آداب معنوی: هرچند در نصوص اسلامی، صراحتاً دستورالعمل‌هایی برای خلق آثار هنری ارائه نشده است؛ ولی روح اسلام و آداب آن است که طبع و ابعاد روحی هنرمندان را جهت می‌دهد. همه هنرهای اسلامی حامل نقش و نشان تأثیرات صادره از قرآن است که پشتوانه معنوی زندگی مسلمانان است. هنر اسلامی، نه از معنای ظاهری یا صورت ظاهر قرآن، بلکه از حقیقت آن، یعنی ذات باطنی‌اش برگرفته است (ر.ک: محمدی، ۱۳۸۸، ص ۷۶).

تعالی بخشی و تأثیرگذاری قدسی: اگرچه هنر غربی به سمت ایجاد حس لذت و خوشایند بودن مخاطب گام برمی‌دارد، در هنر اسلامی، ارشاد و تعالی بخشی به مخاطب، گوهر اصلی است؛ چون هدف از خلقت کمال است که همان سعادت ابدی و تقرب به خداوند است و در این مسیر، هر دو مؤلف و مخاطب — رهروان اند (نوروزی، ۱۳۸۷، ص ۸). هنر دینی، هنری است که در شنونده القای قداست یا معنویت نماید. بیان و فرم آن با استفاده از خطوط، رنگ‌ها، علائم، نقوش و طرح‌های هندسی یا سبک‌های هنری به گونه‌ای باشد که در دل بیننده، الهام و اشراق بنماید و هاله‌ای از طهارت روح به وی هدیه کند؛ بنابراین لازمه دینی یا غیردینی بودن اثر، جنبه تأثیر قدسی آن است. هر امر قدسی و معنوی به طور قطع دینی است (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۵، ص ۹۳ - ۹۵).

پیشروی و مطلوب نگری: هنر اسلامی، هنری پیشرو و مطلوب نگر است. بر شانه دیروز نشسته است، در امروز زیست می‌کند و فردا را می‌نگرد. آمیزه‌ای از آرمان‌طلبی و واقع‌گرایی است و رویکردی تجویزی ندارد. هنر پیشرو «آنچه هست» را به طور مطلق امضا نمی‌کند و آن را نیز مطلق طرد نمی‌کند، بلکه «آنچه هست» را به سود «آنچه باید بشود» تعدیل می‌کند. در مقابل، هنر پیرو آن است که از خواسته‌ها، تمایلات و اخلاقیات همه‌پسند تبعیت می‌نماید و آن را به نوعی جالب بر جامعه عرضه می‌کند و دغدغه آنچه را باید و شاید پدید آید ندارد (ر.ک: جعفری، ۱۳۷۸، ص ۲۹ - ۳۰).

هدایت‌گری احساسات اجتماعی: هنر، ابزار بسط تولی و تبراًست و احساسات اجتماعی را تا اندازه زیادی راهبری و رهبری می‌کند. هنر، ابزاری است که هنرمند از راه آن احساسات تجربه شده‌اش را

بعد و بردی اجتماعی می‌دهد. اثر هنری نوعی احساس همدلی اجتماعی را می‌تواند پدید آورد. هنر، ابزار اقامه عواطف اجتماعی در جهت خاص است (ر.ک: میرباقری، ۱۳۸۹، ص ۴۸).

پایبندی به هویت ملی: تمدن و فرهنگ گویا ست که ایرانیان همواره مردمانی آزاده و یکتاپرست بوده‌اند (ر.ک: محمدی، ۱۳۸۸، ص ۶۷)؛ بنابراین هر اثری هنری که در جهت تضعیف روحیه آزادگی، وطن‌خواهی و دین‌مداری ایرانیان خلق شود، در ضدیت با هویت ملی است.

محتوای تقویت‌کننده آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران: مقام معظم رهبری وظیفه هنر این عصر را نمایش قهرمانی‌ها و فداکاری‌ها برای حفظ ارزش‌ها و کیان کشور می‌داند و مبتنی بر مبانی زیباشناختی هنر، معتقد است: هنر آن است که زیبایی‌ها را درک کند. این زیبایی‌ها لزوماً گل و بلبل نیست؛ گاهی انداختن یک نفر در آتش و تحمل آن، زیباتر از هر گل و بلبلی است. هنرمند باید این را ببیند، درک کند و آن را با زبان هنر تبیین نماید (ر.ک: گزیده‌ای از بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۴). امام خمینی نیز هنری را مورد قبول قرآن و اسلام می‌داند که صیقل دهنده اسلام ناب محمدی (ص)، اسلام ائمه هدی (ع)، اسلام فقرای دردمند، اسلام پابرهنگان و اسلام تازیانه خوردگان تاریخ باشد. به عقیده ایشان، هنری زیبا و پاک است که کوبنده سرمایه‌داری مدرن و کمونیسم خون‌آشام و نابودکننده اسلام رفاه و تجمل، اسلام التقاط، اسلام سازش، اسلام مرفهان‌بی‌درد و در یک کلمه «اسلام آمریکایی» باشد (خمینی، ۱۳۶۷، ص ۱۴۵).

۲-۲-۳. بخش تخصصی شاخه‌های هنری

عمده تم‌هایی که برای حوزه‌های سینما، تئاتر، موسیقی و هنرهای تجسمی شناسایی شد، به نوعی تکرار تم‌های مطرح شده برای هنر در مفهوم کلی است؛ ولی با زبانی تخصصی‌تر و به اقتضای هر شاخه هنری، که در ادامه به اختصار به برخی از آنها اشاره خواهد شد:

۱-۲-۲-۳. حوزه فیلم و سینما^۱

الف) تم شناسایی شده: آفرینشگر (سینماگران)

اعتقاد و دانش دینی سینماگر: از لوازم ورود به سینمای اسلامی، نخست، مطالعات قوی اسلامی و دوم، اراده و شخصیت قدرتمند هنرمند است (ر.ک: رحیم‌پور ازغدی، ۱۳۹۲، ص ۹۴). نخستین دلیل عدم توفیق سینمای انقلاب اسلامی، کم‌بودن سینماگران معتقد دارای درک عمیق از دین است؛ هنرمندی که در دام «خودبینی و خودبنیادی منورالفکرانه» نیفتد و جز برای «اثبات خویش» فیلم بسازد (آوینی، ۱۳۷۷، ص ۱۵۰).

^۱ سینما، پدیداری تکنولوژیک است به شکل رسانه‌ای دیداری شنیداری؛ متعلق به عالم مدرن و مبتنی بر فن و هنر؛ که محصول آن، فیلم سینمایی نامیده می‌شود و از عناصر تصویر (به صورت مجموعه‌ای از فریم‌ها) و صدا (گفتگو، صدا و موسیقی) تشکیل شده است. (آوینی، ۱۳۶۹، ص ۳۶-۴۲)

شناخت مبانی سینما و تخصص سینماگر: گذشته از صحت اعتقادات و آگاهی‌های دینی، داشتن شناخت و درک درست و مبنایی از سینما، شرط تولید آثار متعهد سینمایی است: برخی با این پیش‌داوری که قالب‌های هنری غرب هرگونه پیام و محتوایی را می‌پذیرد، ساده‌لوحانه گرفتار ابتذال شده‌اند و آثاری تولید کرده‌اند که در سطحی نازل باقی مانده است؛ مانند برخی فیلم‌ها که قهرمانان‌شان پاسداران و یا رزم‌آوران جبهه‌های نبردند؛ اما اعمال خدایی این بندگان خوب خدا تا سطح شعارهایی متظاهرانه و بی‌ارزش پایین آورده شده است (همان). فیلم‌هایی شبه‌معنوی که تحت تأثیر — یا تحت هیپنوتیزم فکری - فیلم‌های هالیوودی با جای دادن مفاهیم اسلامی ساخته می‌شود، غالباً به بیراهه می‌روند و نمادها، عناصر و... کارکرد واقعی خود را از دست می‌دهند و جنبه تشریفاتی و نمایشی می‌یابند (ر.ک: نوروزی، ۱۳۸۷، ص ۸).

ب) تم شناسایی شده: محتوا (باطن) آثار سینمایی

جذاب بودن اثر سینمایی: جذابیت یکی از ارکان روایت سینمایی است. آوینی برای سینمای بومی اسلامی، نه روی گردانی از جذابیت را پیشنهاد می‌کند، نه به دنبال پذیرش جذابیت سینمای غربی است. او جذابیت مر سوم سینما را بر ضعف‌های بشر مبتنی دانسته، و محصول تفکر مادی گرایانه می‌بیند؛ بنابراین در جهت حیات باطنی و تمدن فطری انقلاب اسلامی، جذابیت فطری را پیشنهاد می‌کند (امیری، ۱۳۹۲، ص ۱۲). وصف جذابیت در سینمای اسلامی بیشتر متوجه محتوا و مضمون خواهد بود و در لایه‌هایی از تفکر و تدبر مخاطب ریشه خواهد داشت. جذابیت در این معنا، کارکردی جایگزین کارکرد شگفتی برخاسته از تکنیک یا داستان‌گویی نامتعارف و پُر حادثه سینمای غربی خواهد داشت.

پیشروی محتوای اثر سینمایی: سینما متعلق به تماشاگر است؛ ولی فلسفه وجود آن هدایت مستمع است؛ از این رو نباید در علایق مخاطب توقف کند، بلکه باید به سمت آنچه شاید، قدم بردارد. آوینی در این باره معتقد است: اگر سینما بخواهد بر ضعف‌های روحی بشر و عواطف سطحی و مبتذل او بنا شود، کار به رشد این صفات مذموم در وجود بشر خواهد انجامید و او را از حد اعتدال انسانی خارج خواهد کرد (آوینی، ۱۳۷۷، ص ۱۵۰).

فطرت‌مدار بودن سینمای اسلامی: سینمای دینی، سینمایی است که بتواند نوعی شناخت و باوری شهودی به مخاطب منتقل کند؛ به گونه‌ای که او را از غفلت برهاند و توجهش را به خود و هستی، از منظری فطری معطوف کند (فرخی و افتخاری، ۱۳۹۳، ص ۱۱). این نگاه می‌تواند منجر به خلق به پيامی جهان‌شمول و انسان فهم گردد که اثر سینمایی را در مرزهای جغرافیای و حتی فرهنگی محصور نکند. انسان فطرت الهی دارد و خداوند فطرت بشر را رو به حق آفریده است. این دو پیش‌فرض زمینه‌هایی برای کمک به فیلمساز مسلمان و کمک به جهانی شدن او است (ر.ک: رحیم‌پور ازغدی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۵).

تقویت ارزش‌های اسلامی و عدم تضعیف اعتقادات در اثر سینمایی: رحیم پور ازغدی

دوربین را یکی از ابزارهای مؤثر برای امر به معروف و نهی از منکر می‌داند؛ سلاحی برای مبارزه و ترویج جهان‌بینی اسلامی در مقابل جهان‌بینی‌های مادی (همان). گفتمان انقلاب اسلامی در بردارنده دال مرکزی «اسلام» و دال‌های پیرامونی چون امام خمینی، دموکراسی، آزادی، ولایت، انقلاب، عدالت، مردم، نظارت، اتحاد، ایران، توسعه، جهان اسلام، حق طلبی، ظلم ستیزی، شهادت، روحانیت، جهاد، ایثار، امت، فلسطین، دفاع، جهاد، کربلا، وحدت کلمه، آخرت گرایی، خدا باوری، توکل، اخلاص، معنویت، تقدم منافع جمع بر فرد، مهدویت، ولایت فقیه، دفاع، ساده‌زیستی، مبارزه با فقر و... است؛ بنابراین همین مضامین باید در آثار سینمایی گفتمانی حاضر باشد (ر.ک: فرخی و افتخاری، ۱۳۹۳، ص ۱۷۲). به دلیل تأثیر سینما بر فرهنگ عمومی جامعه، در قوانین کشوری نیز حدودی برای تولید محصولات سینمایی در نظر گرفته شده است که طی «آیین‌نامه نظارت بر نمایش فیلم و اسلاید ویدئو و صدور پروانه نمایش» ملاک عمل دستگاه‌های نظارتی برای حفظ حدود عرفی و اسلامی در آثار نمایشی است.^۱

همخوانی و هم‌افزایی صورت روایت سینمایی با باطن آن: همه موضوعات را می‌توان

اسلامی یا غیراسلامی روایت کرد. فیلمی درباره زندگی حضرت محمد (ص) یا فیلمی که نمایش‌دهنده شعائر اسلامی چون نماز باشد، ممکن است به گونه‌ای ساخته شود که ضداً اسلامی تلقی شود؛ بنابراین دو معیار برای اسلامی بودن یک فیلم وجود دارد: نخست، ارزش‌هایی که فیلم تلقین می‌کند، اسلامی باشد؛ دوم، فیلم با نمودارها و نمادهای غیراسلامی همراه نباشد و در ظاهر و باطن همخوانی وجود داشته باشد (ر.ک: گزیده‌ای از بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۴).

ج) تم شناسایی شده: ظاهر اثر

حفظ ظاهر اثر: درباره صورت ظاهری آثار در آیین‌نامه صدور پروانه ساخت فیلم‌های سینمایی، این‌گونه آمده است:

۱. رعایت حجاب و پوشش اسلامی؛
۲. عدم تماس بدنی میان هنرپیشه‌های زن و مرد؛
۳. عدم به‌کارگیری الفاظ رکیک، زشت و اروتیک؛
۴. حفظ حدود و حریم شرعی و عرفی در ترسیم و نمایش روابط زنان و مردان؛

۱. این آیین‌نامه از سوی دولت در سال ۱۳۶۱ ابلاغ شد و نمایش هرگونه فیلم در سینماها و سالن‌های عمومی و عرضه یا فروش آنها در بازار فروش که در نهایت متضمن نکات مشروحه ذیل باشد، در سراسر کشور ممنوع شد:
- انکار یا سست کردن اصل توحید و دیگر اصول دین مقدس اسلام یا اهانت به آنها به هر شکل و طریق که باشد.
- نفی یا تحریف یا مخدوش کردن فروع دین مقدس اسلام.
- و... (ر.ک: آیین‌نامه نظارت بر نمایش فیلم و اسلاید، ویدئو و صدور پروانه نمایش، ۱۳۶۱).

۵. عدم استعمال دخانیات به وسیله پرسوناژها - مخصوصاً زنان و جوانان - (آیین نامه نظارت بر نمایش فیلم و اسلاید، ویدئو و صدور پروانه نمایش، ۱۳۶۱).

۲-۲-۳. حوزه تناثر

الف) تم شناسایی شده: محتوا (باطن) اثر نمایشی

همسویی با ارزش‌ها و انطباق با هنجارهای اسلامی: اثر نمایشی باید متعهد و مروج ارزش‌های اسلامی باشد و با هنجارهای شرع مقدس منطبق باشد؛ به‌طور مثال تعزیه‌خوانی برای امام حسین (ع) که گرچه سابقه‌ای به قدمت شعر و تلاوت قرآن ندارد، ولی در فرهنگ ایرانی، رسانه‌ای تأثیرگذار در ترویج حادثه عاشورا بوده است، در فراز و فرود نفی و اثبات‌ها، هرگاه با صورتی موافق نظر فقها و فقه اسلامی تحقق یافته، رسانه‌ای تأثیرگذار برای احیای پیام دین تلقی شده است و هرگاه ناخواسته به جهت ضعف دانش دینی، با ناراستی‌ها و نادرستی‌ها آمیخته شده، غباری بر اندیشه متعالی و مترقی اسلام نشانده است. انطباق با هنجارها و باید و نبایدهای شرعی و فقهی، از یک‌سو مستلزم برقراری تعادلی هوشمندانه میان خلاقیت، جذابیت آفرینی و روایت زیبایی شناسانه؛ و از سوی دیگر، پرهیز از بدعت، تحریف و تخلفات شرعی در ظاهر و شیوه روایت است؛ به گونه‌ای که کاربست نظرگاه‌ها و شیوه‌های نو، بر رهیافت‌های دین مبتنی بوده، حافظ و پاسدار مرزهای ایدئولوژیک، واقعیت‌های دینی و هنجارهای شرعی گردد (گواهی، ۱۳۸۰، ص ۱۲).

برخورداری از جوهره دینی: تناثر دینی، به مفهومی روایت تاریخ دین یا زندگی‌نامه شخصیت‌های دینی نیست؛ هرچند این موارد نیز می‌تواند یک اثر دینی باشد. اما تجربه‌های موفق در درام دینی وجود دارد که در آنها محتوای دینی در قالب قصه‌ها و رخدادهایی به ظاهر بی‌ارتباط با دین عرضه شده‌اند. به‌طور کلی تناثر دینی در ذات و جوهره خویش باید دینی باشد (ر.ک: فریدزاده، ۱۳۹۰، ص ۵۹).

جذابیت محتوا: در تناثر اسلامی با آنکه ابلاغ با حس و عقل نیز مورد نظر است؛ ولی آنچه مهم است، نفوذ بر دلهاست؛ پیام باید به گونه‌ای ابلاغ شود که در درون انسان‌ها جای گیرد (منتظری، ۱۳۶۲، ص ۲۳).

ب) تم شناسایی شده: احیای نمایش بومی

احیای نمایش بومی از معیارهای اصلی تناثر ایرانی اسلامی است. آوینی معتقد است تناثر باید از تکرار در قالب‌های تجربه‌شده دیروز عبور کند و جایگاه و صورت خویش را در فرهنگ امروز بیابد. تا زمانی که به تناثر بومی از منظر توریست‌ها، مستشرقان، اسنوبیسیم و روشنفکرنمایی نگاه شود، تعزیه یا نمایش روحوضی بی‌اعتبار خواهد بود. حضور تزئینی تعزیه یا سیاه‌بازی در جشنواره‌های تناثر اروپا از چنین منظری انجام می‌گیرد و با این رویکرد، تعزیه که بازآفرینی تمثیلی ترازدی کربلاست، به کلکسیون مظاهر نوستالژیک تمدن‌های فراموش شده باستانی خواهد پیوست یا همچون هنرهای دستی و روستایی، به کالایی

که جز به مذاق اشراف، مستشرقان و توریست‌ها خوش نمی‌آید، تبدیل خواهد شد و اگر ادامه حیات یابد، حیاتی گلخانه‌ای خواهد داشت (ر.ک: آوینی، آینه جادو، ص ۱۲۷).

ج) تم شناسایی شده: هنرمند تئاتر

حفاظت بازیگری از ارزش‌ها: هنر بازیگری اگر حافظ ارزش‌های اسلامی باشد و با معیارهای اخلاقی و عرفی جامعه تناقضی نداشته باشد، مورد تأیید است؛ و چنانچه در جهت تعالی جامعه گام بردارد، مورد توصیه اسلام است؛ ولی عدم تطابق آن با هنجارهای اسلامی، می‌تواند به حرمت شرعی و به طبع آن، خروج از دایره تئاتر مطلوب منجر شود (ر.ک: علی برجی، ۱۳۷۴، ص ۲۸۳).

تجلی ایمان در ذات هنرمند: هر اندازه از حقایق در تئاتر دینی نمایانده می‌شود، باید به گونه‌ای یقینی در ضمیر هنرمند جای گرفته باشد؛ زیرا تئاتر جایگاه انتقال و القای یقین آنهاست، نه در میان نهادنشان از راه توصیف و استدلال (ر.ک: فرید زاده، ۱۳۹۰، ص ۵۸).

۳-۲-۲-۳ حوزه موسیقی^۱

الف) تم شناسایی شده: محتوا و مضمون موسیقی

در منظر قریب به اتفاق فقهای معاصر، موسیقی که شکلی غنایی یابد و صورتی لهوی داشته باشد، حرمت می‌یابد. آعلتی که برای ممنوعیت موسیقی در منابع اسلامی ذکر شده است، «لهو و لعب» است. لذا روشن است که اسلام می‌خواهد انسان در مقابل هیجان‌ها، خود را نبازد و تقوا و هوشیاری واقعی خود را از دست ندهد (ر.ک: جعفری، ۱۳۷۸، ص ۳۷). مرز موسیقی حرام و حلال عبارت از ایرانی بودن، سنتی بودن، قدیمی بودن، کلاسیک بودن، غربی یا شرقی بودن نیست. مرز آن «ابتدال» است (ر.ک: نگاه اجمالی بر بیانات و استفتائات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳). موسیقی امروز برای نفس انسان حالت تشمت و پراکندگی خاطر به همراه آورده است و تمرکز یا وحدت خیال را از انسان باز گرفته، به عالم کثرات و تعلقات خاطر برده است (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۱۲۸).

۱. موسیقی را به بیان ساده «علم ترکیب اصوات و هنر عرضه آنها به نحوی که برای شنونده مطبوع باشد» تعریف کرده‌اند (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۲) و این تحقیق، موسیقی را در هیات یک محصول فرهنگی هنری مدنظر می‌گیرد.

۲. امام خمینی در باب تعریف موسیقی و بحث از حلیت و حرمت آن، پس از ذکر بیش از ده تعریف مهم، در دو قید مطرب و مرجع که در بسیاری از تعاریف مورد اشاره بوده است، تردید می‌کند و آن را از قیودی می‌داند که در ساختار مفهوم غنا نقش ندارد. ایشان همچنین تشخیص مصداق غنا را بر عهده عرف می‌داند که در هر زمان و مکانی تلقی خاصی دارد. نظر به جایگاه ایشان در بنیانگذاری جامعه ایرانی اسلامی امروز، رأی فقهی ایشان مبنای تحقیق قرار گرفته است (گواهی، ۱۳۸۰، ص ۱۷).

۳. موسیقی «لهو و لعب» آن است که به سبب ویژگی‌هایی که دارد، انسان را از خداوند متعال و فضایل اخلاقی دور کند و به سمت بی‌بندوباری و گناه سوق دهد.

تعالی موسیقی: مقام معظم رهبری بر این باورند که موسیقی را باید به سوی هدف متعالی سوق داد و یکی از مهم‌ترین ابزار برای این مهم، همراهی کلام با موسیقی است. نقطه قوت در موسیقی فارسی و عربی، وجود کلام به صورت بیشینه است؛ در سنت ما غالباً موسیقی با کلام همراه می‌شده است. گاهی کلام که با آهنگ نواخته شده همراه است، وجه هدایت‌گر دارد و این وجه در معنای عرفانی، اخلاقی، اجتماعی یا سیاسی کلام نهفته است. می‌توان گفت کلام هدایت‌گر، به موسیقی جهت متعالی می‌بخشد (ر.ک: سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع اهالی موسیقی، ۱۳۹۱).

ب) تم شناسایی شده: فرم و سیاق موسیقی

هم‌افزایی فرم و محتوا: آیت‌الله مصباح یزدی درباره نسبت پسندیده فرم و محتوا از منظر دین معتقدند هر یک از صورت و محتوا، ملاک مستقلی دارد. ممکن است صورت یا فرمی در ذات خود مطلوب باشد؛ ولی به محتوای نادرست تعلق گیرد؛ مانند اینکه کسی با موسیقی و الحان مخصوص قرائت قرآن - به عنوان فرمی مطلوب - که مورد تأیید دین است، مطالب نادرست و ناشایستی - به عنوان ماده‌ای نامطلوب - را بیان کند یا برعکس، محتوایی باارزش مانند آیات نورانی قرآن را با آلات یا موسیقی مستهجن - فرم نامطلوب - بخواند؛ چنان‌که در روایات نیز آمده است در آخرالزمان قرآن را با مزامیر می‌خوانند. همچنین ممکن است محتوایی ناشایست مانند اشعار لغو و محرک را با موسیقی مناسب مجالس لهو و لعب بخوانند که هر سه مورد تأیید دین نیست (ر.ک: پور حسن درزی و کوششی، ۱۳۸۸، ص ۱۳).

تعهد به سبک‌های موسیقی اصیل ایرانی: موسیقی اصیل ایرانی باعث اعتلای روح و پرواز به عالم بالا می‌گردد (ر.ک: میلر و کیان‌بخت، ۱۳۷۵، ص ۱۶۰)؛ توجه به آن و استفاده از ظرفیت‌هایش، از مشخصه‌های آشکار موسیقی اسلامی ایرانی است.

ج) تم شناسایی شده: ذائقه سازی در موسیقی

موسیقی ایرانی اسلامی باید پیشرو و ذائقه ساز باشد و بنا بر داشته‌های فرهنگ ایرانی و ذخایر عرفان اسلامی، متناسب زمان پیش رود. رجبی *دوانی* معتقد است چون در ایران امروز، زمینه برای احیای موسیقی اصیل مؤمنانه و عارفانه که به وسیله بزرگان ما تدوین شده است، وجود ندارد؛ جامعه به سراغ موسیقی غیر ایرانی می‌روند - آن هم در دورانی که غرب نیز از موسیقی کلاسیک خود که موسیقی اندیشمندان بود، عدول کرده است - و ناگزیر مصرف‌کننده موسیقی کم‌مایه مغرب زمین می‌شود. موسیقی متعالی یا متدانی، در دل‌ها حضور دارد و انقلاب نیز از همین دل‌ها آغاز می‌شود (ر.ک: رجبی دوانی، ۱۳۹۰، ص ۲۶۲).

د) تم شناسایی شده: هنرمند

هنر موسیقی، تلفیقی از دانش، اندیشه و فطرت خدادادی است که مظهر فطرت خدادادی در درجه اول، حنجره انسان‌ها و در درجه دوم، سازهایی است که به دست انسان‌ها ساخته شده است؛ پس پایه، پایه الهی است. نخستین نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که می‌باید این هنر را در راه خدا مصرف کنیم.

روح حاکم بر نیت عاملان موسیقی در نوع خروجی تأثیر گذار است (ر.ک: سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع اهالی موسیقی، ۱۳۹۱)؛ به عنوان مثال، شعرهای عرفانی حافظ را بر اساس گرایش‌های دو دسته از عاملان می‌توان با دو رویکرد موسیقی لهُو و موسیقی حلال ارائه کرد.

۴-۲-۲-۳. حوزه هنرهای تجسمی^۱

الف) تم شناسایی شده: محتوا و باطن اثر

آمیختگی با معرفت و عرفان: اگر هنرهای زیبا از دیدی عرفانی در هستی شناسی مایه گرفته باشند و هنرمند همواره در فضایی قدسی تنفس کند و نوع بیان و سبک هنری هنرمند به گونه‌ای باشد که برای بازدیدکنندگان و هنردوستان فضای معنوی فراهم سازد و نوعی معرفت نسبت به حق و پدیده‌های هستی در بیننده بیافریند هنر دینی در جهان خارج تمثیل یافته است؛ در غیر این صورت، این هنرهای زیبا، غیردینی محسوب می‌شوند (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۱۰۱) و به تعبیر آوینی: «جز هنر متعهد به تفکر اسلام، هر چه هست، عین بی‌هنری است» (آوینی، ۱۳۶۸، ص ۴۷).

تعالی بخشی محتوا و مضامین: «محتوا» تا بدان اندازه مهم است که اگر محتوا جنبه‌های متعالی داشته باشد، در نظر برخی فقها حکم حرمت بعضی هنرهای تجسمی، به احتیاط تغییر می‌کند. آنچنان که اگر بتوانیم در تاریخ تمدن و هنر اسلامی، هنر در قلمرو اسلام - یا دست کم در قلمرو ایران - را به دو دوره «هنر اسلامی» و «هنر انقلاب اسلامی» طبقه‌بندی کنیم، می‌توان گفت مجسمه‌سازی در دوره انقلاب اسلامی، با درون مایه معنوی و فرامادی، بیشترین جلوه را در عمر خود داشته است. همچنین نقاشی این عصر به‌خوبی اهداف انقلاب و دفاع مقدس مردم ایران، شکوه ایثار، شهادت‌طلبی و مقاومت در برابر یک دنیا مهاجم به تصویر کشیده است (ر.ک: عمرانی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۶ - ۱۲۲).

هویت بخشی و فرهنگ سازی: نقش معماری و هنرهای تجسمی در هویت بخشی به جامعه و تعیین هویت تاریخی و تمدنی بی‌بدیل است. دمیدن روح انسانی در اشیا و خلق طبیعتی نو، معنا بخشی به زندگی است؛ به گونه‌ای که اشیا و دیگر اجزای طبیعت را به سوی حیات انسانی ارتقا می‌بخشد (قائم‌خانی، ۱۳۹۲).

ب) تم شناسایی شده: شکل و ساختار بصری

شکلی نمادین، معنا بخش و معنا دار: هنرمندان اسلامی با لعاب دادن به سفال و نقاشی‌های نباتی بر آن، جلای خیره کننده‌ای در این ظروف پدید آوردند. فلزکاری، قالی‌بافی، کاشی‌کاری، شیشه‌گری، منبت، معرق، خاتم کاری و... در عین دارا بودن شکل و ساختار بصری زیبا، معنا را به اشکال رمزی در قالب‌های هندسی و خطوط و نقوش تزئینی یادآور می‌شوند و در سیر کثرت نگر خود، با زبان نقش و نگار از سر

^۱ تعاریف مختلفی از هنرهای تجسمی ارائه شده است؛ آنچه در این مقاله مقصود است مجموعه هنرهای زیبا و هنرهای کاربردی است مشتمل بر نقاشی، خوشنویسی، مجسمه‌سازی، طراحی، عکاسی، گرافیک، طراحی صنعتی، معماری و طراحی داخلی، و... که وجهی دیداری دارند و در مقابل هنرهای شنیداری، نمایشی، کلامی و... تعریف می‌شوند.

یکپارچگی و وحدتی که نظام هستی بر آن استوار است، سخن می‌گویند و مفاهیم دینی را در قالب طرح، نقش، خط، تقارن، توازن و... با معانی هارمونیک به بیننده تفهیم می‌کنند (همان، ص ۱۵۸).

ج) تم شناسایی شده: هنرمند

صفای باطن: شهید آوینی همان‌گونه که در عرصه سینما با دوگانه «فیلم تجاری» و «فیلم روشنفکری» مخالف بود و راه سومی برآمده از گفتمان اسلامی را می‌جوید، در عرصه هنرهای تجسمی نیز چنین دیدگاهی دارد: هنرمندان، با رها شدن از تعلق به حق، آن عهد تازه را یا باید با جامعه استوار دارند و یا با خود؛ طریق نخستین «به هنر برای مردم» می‌رسد و طریق آخری به «هنر برای هنر» و در هر دو صورت، هنر خواهد مُرد (آوینی، ۱۳۹۱، ص ۶۴). باباشاه اصفهانی، هنرمند خوشنویس دوره صفویه در کتاب آداب مشق، در ارتباط اثر هنری با ابعاد روحانی هنرمند می‌گوید: ترک لذت‌های دنیوی، قلب هنرمند را به سوی زیبایی حقیقی متمایل می‌سازد و این زیبایی در اثر هنرمند آشکار می‌گردد (ر.ک: محمدی، ۱۳۸۸، ص ۷۶). هنرمند ایرانی به دنبال تصویر جهان مادی صرف آن‌گونه که به حواس می‌آید، نیست؛ بلکه به دنبال توصیف جهانی بیرون از مرز شکل و صورت است که همچون عالم رؤیا فقط در تصور و خیال قابل انعکاس است. همین عالم است که حکیمان اسلامی و به خصوص ایرانی آن را در عالم خیال، مثال یا عالم صور مطلقه خوانده‌اند و آدمی در زمان سیر به عالم مثال، به کمال، زیبایی و اخلاقیات متعالی دست می‌یابد (پایدار فرد، ۱۳۹۱، ص ۲۴).

دیدگاه متعهدانه به انقلاب: آوینی معتقد بود سیر نقاشی متعهد باید در جست‌وجوی آزادی از سیطره تکنیک‌های غربی باشد. آنچه هویت هنر ما را از غرب متمایز می‌کند، جوهره تعهد است. هنری بی‌درد جایی در جغرافیای هنر انقلاب اسلامی ندارد. (آوینی، ۱۳۹۱، ص ۷۵).

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب پیش گفته، جمع‌بندی مطالب در دو بخش به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

الف) ارائه تعریفی از هنر ایرانی - اسلامی: «هنر ایرانی - اسلامی»، هنری است که از فطرت هنرمند معتقد و متعهد سرچشمه می‌گیرد و از سویی مبتنی بر مبانی، آرمان‌ها و هنجارهای اسلامی و از سوی دیگر، فرهنگ، آداب و ارزش‌های ایرانی به قصد تعالی انسان و بهبود وضعیت جامعه و جهان، با به کارگیری مضمون، شیوه و شکلی همراستا، متناسب و روزآمد، به نشر و تعمیق گفتمان انقلاب اسلامی یاری می‌رساند. «هنر اسلامی ایرانی» با این تعریف، ذیل «هنر دینی» - به عنوان مفهومی کلی و فرا تاریخی - تلقی می‌شود و در عصر حاضر، جایگزینی چون «هنر انقلاب اسلامی» می‌یابد که در ایران اسلامی و ذیل نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران امکان تحقق دارد؛ چنان‌که انقلاب اسلامی نیز ظهور و بروزی عصری از آفتاب دین مبین اسلام است و: در وجه باطنی خود چیزی جز ترجمان «لا إله إلا الله» که شعار اصلی

اسلام است، نیست که «لا إله» آن در نبرد با شاه و امریکا و مستکبران جهان محقق شده و «إلّا الله» آن در رویکرد مجدد به اسلام و ارزش‌های توحیدی متجلی شده است. به همین جهت هر آنچه نسبتی با انقلاب دارد نیز نمی‌تواند خالی از دو وجه باشد و هنر انقلاب نیز چنین است (ر.ک: رجیبی دوانی، ۱۳۹۰، ص ۲۶۰).

ب) دسته‌بندی شاخص‌های محصول فرهنگی هنری: از بررسی تم‌های شناسایی شده، این نتیجه حاصل می‌شود که شاخص‌ها در حوزه‌های هنری بررسی شده، منتقل‌کننده مفاهیمی متناظرند و تفاوت آن به ماهیت هر شاخه هنری مربوط است؛ بنابراین شاخص‌ها به سه عنوان کلی «هنرمندان»، «محتوا» و «فرم و شکل» قابل تقسیم‌اند که شرحی بر آنها در ذیل ارائه می‌شود. هم‌چنین در برخی موارد، نظر دریافتی از چند کارشناسان فرهنگی به عنوان دیدگاه‌های خارج از مباحث کتابخانه‌ای، ضمیمه و اشاره گردیده، بهره‌برداری شده است:

۱. هنرمند: هنرمند همانند علت فاعلی اثر هنری، مبدع و اصلی‌ترین علت وجود آن است که البته در هنر اسلامی، خود مجلای انوار الهی و سیراب شده از فطرت پاک انسانی است. بر اساس مطالب پیش گفته، معیارها این گونه است:

- دارنده هویت ملیتی و دینی هنرمند؛

- صفای باطن هنرمند؛

- خط فکری هنرمند (متعهدبودن به آرمان‌های انقلاب اسلامی)؛

- رجوع به اصل (بازیابی هویت ایرانی - اسلامی)؛

- درک مسائل زمانه.

۲. محتوا (باطن): بر اساس مطالب پیش گفته، معیارها این گونه است:

- ترویج‌کننده شعائر اسلامی؛

- پیشرو، هدایت‌گر و مطلوب‌نگر؛

- ترویج و تعمیق گفتمان انقلاب اسلامی.

۳. فرم و شکل (ظاهر): بر اساس مطالب پیش گفته، معیارها این گونه است:

- بیان نمادین؛

- اجتناب از ظاهرسازی اسلامی؛

- به‌کارگیری قالب مناسب با محتوا.

منابع

الف) کتاب‌ها و مقاله‌ها

- اعوانی، غلامرضا؛ حکمت و هنر معنوی (مجموعه مقالات)؛ ج ۱، تهران، انتشارات گروس، ۱۳۷۵، ص ۳۳۱،
- آوینی، سیدمرتضی؛ «آینه جادو»، مجموعه مقالات سینمایی؛ تهران: نشر ساقی، ج ۱، ۱۳۷۷، ص ۱۵۰.
- آوینی، سیدمرتضی؛ «جنگ در آینه مصفاى نقاشى متعهد»؛ ماهنامه سوره؛ ش ۱، فروردین ۱۳۶۸، ص ۴۶-۴۸.
- آوینی، سیدمرتضی؛ «رمان، سینما و تلویزیون»؛ ماهنامه سوره، ش ۱۷ و ۱۸؛ ۱۳۶۹، ص ۳۶-۴۲.
- آوینی، سیدمرتضی؛ انظار صورت؛ تهران: انتشارات واحه، ۱۳۹۱، ص ۶۴.
- آوینی، سیدمرتضی؛ رستاخیز جان؛ تهران: انتشارات واحه، ۱۳۹۰.
- بوربور، مهدی؛ «هنر و معماری اسلامی، ضرورت‌های تغییر یک عنوان»، ایران‌نامه؛ ش ۲۱، پاییز ۱۳۶۶، ص ۱۱۲-۱۱۵.
- پایدارفرد، آرزو و محسن ایمانی نائینی؛ «هویت در هنر اسلامی»، ماهنامه کتاب ماه هنر؛ ش ۱۶۹، مهر ۱۳۹۱، ص ۲۲-۲۷.
- پورحسین درزی، قاسم و پریش کوششی؛ «بحثی پیرامون هنر دینی»، مجله رهیافت انقلاب اسلامی؛ ش ۱۱، ۱۳۸۸، ص ۳-۱۸.
- تاجیک، علیرضا و محمد سربخشی؛ «هنر دینی و هنرمند متعهد در اندیشه آیت‌الله مصباح»، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی؛ ش ۱، ۱۳۹۰، ص ۵-۲۸.
- جعفری، محمدتقی؛ «فلسفه هنر از دیدگاه اسلام»، مجله هنر دینی؛ ش ۲، ۱۳۷۸، ص ۷-۲۹.
- جعفری، محمدتقی؛ موسیقی از دیدگاه فلسفی و روانی؛ تهران: نشر کرامت، ۱۳۷۸، ص ۳۳۱.
- رجیبی دوانی، محمدعلی؛ «بازگشت به اسم قدیم — چگونه هنر انقلابی از غربزدگی عبور می‌کند؟»، ماهنامه سوره اندیشه؛ شماره ۵۶ و ۵۷، بهمن و اسفند ۱۳۹۰، ص ۲۵۹-۲۶۲.
- رحیم‌پور ازغدی، حسن؛ هنر و تجربه شوریدگی: گفتارهایی در مقوله هنر؛ تهران، انتشارات طرح فردا، ۱۳۹۲.
- رشاد، علی‌اکبر؛ درباره هنر؛ ج ۱، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۵.
- علی‌برجی، یعقوب؛ «چشم‌انداز فقه بر هنر نمایش»، پرتال جامع علوم انسانی، نشریه کاوشی نو در فقه اسلامی؛ ش ۴-۵، ۱۳۷۴، ص ۲۸۳-۳۲۶.
- عمرانی، ابوالحسن؛ اسلام و هنرهای زیبا؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۰.
- فرخی، حسین و سیداسماعیل افتخاری؛ «گفتمان‌های هنری در ایران پس از انقلاب اسلامی (با تأکید بر سینما)، دو فصلنامه علمی-پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی؛ ش ۱۰، ۱۳۹۳، ص ۱۴۷-۱۸۰.
- فریدزاده، عبدالرضا؛ «درنگی بر تئاتر دینی»، نشریه هنر و معماری؛ ش ۱۴۸، ۱۳۹۰، ص ۵۶-۶۰.
- کریمی، رضا؛ «تقدم بی‌هنری بر بی‌فرهنگی»، سوره مهر؛ ش ۶۴-۶۵، ۱۳۹۱، ص ۲۳۴-۲۳۵.
- گواهی، زهرا؛ «هنر از منظر امام خمینی و فقهای شیعه»، مجله نمایه؛ ش ۱۱۸، دی ۱۳۸۰، ص ۱۲-۶۵.
- متینی، جلال؛ «هنر اسلامی علی‌رغم ایران و اسلام»، ایران‌نامه؛ ش ۲۵، پاییز ۱۳۶۷، ص ۱-۲۲.
- مدنی کجستانی، سید محمود؛ «هدایت‌گری در هنر دینی»، مجله هنر دینی؛ ش ۱، پاییز ۱۳۷۸، ص ۸۹-۱۰۴.
- مطهری (الهامی)، مجتبی؛ هنر قدسی؛ تهران: نشر اطلاعات، ۱۳۸۵.
- مظلومی، رجبعلی؛ «هنر اسلامی، احیای معرفت گم‌شده و از دست‌رفته»، فصلنامه هنر؛ ش ۱، پاییز ۱۳۶۰، ص ۵۲-۶۱.
- منتظری، علی؛ «پیش‌درآمدی بر تئاتر اسلامی»، دانشگاه انقلاب؛ ش ۲۲، فروردین ۱۳۶۲، ص ۱۶-۱۹.
- میرباقری، سیدمهدی؛ «حرکت تکاملی هنر و هنرمند در حوزه دین»، فرهنگ پویا؛ ش ۱۹، دی ۱۳۸۹، ص ۴۷-۵۰.
- میلر، لوید و طوبی کیانخت؛ «موسیقی سنتی ایران»، دانشگاه انقلاب؛ ش ۱۰۶ و ۱۰۷، بهار و تابستان ۱۳۷۵،

۱۴۹

دو فصلنامه علمی-پژوهشی

مطالعات

قدرت‌نرم

مهدی حقیقی کفایش و همکاران

تعیین شاخص‌های معرفت محصول فرهنگی هنری ایرانی-اسلامی در نظام جمهوری اسلامی

- ص ۱۵۷ - ۱۶۴.
- محمدی، ۱۳۸۸، معنویت و هنر قدسی در هنر ایرانی، کتاب ماه هنر، ش ۱۲۱، مهر ۱۳۸۷، ص ۷۶ - ۸۱.
- نصر، سید حسین، جاودانگی و هنر (هنر قدسی)، ترجمه آوینی، مرتضی، تهران، نشر برگ، ۱۳۷۰.
- نوروزی طلب، علیرضا؛ «زیبایی شناسی و ذات شناسی هنر اسلامی»، کتاب ماه هنر؛ ش ۱۲۹، خرداد ۱۳۸۸، ص ۴ - ۳۱.
- نوروزی، مصطفی؛ «درباره هنر اسلامی و سینما، سینمای توحیدی»، هفته نامه پگاه حوزه؛ ش ۲۴۸، بهمن ۱۳۸۷، ص ۸.
- دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا؛ مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- (ب) منابع اینترنتی
- امیری، حسین، «مدلی برای تبیین هنر انقلاب اسلامی»، پایگاه تحلیلی تبیینی برهان به آدرس <http://borhan.ir>، کد مطلب ۵۰۳۳؛ تاریخ ۲۰ فروردین ۱۳۹۲.
- افسری، اقبال، هنر انقلاب اسلامی، پایگاه اینترنتی سینما پرس به آدرس <http://cinemapress.ir>، کد مطلب ۷۳۷۷۹، تاریخ ۳ اردیبهشت ۱۳۹۵.
- قائم خانی، محمد؛ نسبت سبک زندگی و هنر، پایگاه تحلیلی تبیینی برهان، <http://borhan.ir>، کد مطلب ۶۰۳۰؛ تاریخ ۲۹ آبان ۱۳۹۲.
- مهندس هنر متعهد در اندیشه رهبر معظم انقلاب، برگرفته از پایگاه خبرگزاری فارس به آدرس <http://www.farsnews.com> / تاریخ یک مهر ماه ۱۳۹۱، به آدرس اینترنتی <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910628001552>
- بازخوانی سخنان مقام معظم رهبری در جمع اهالی موسیقی، خبرگزاری فارس به آدرس <http://www.farsnews.com> / تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۹۱ به آدرس اینترنتی <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910411001268>
- نگاه اجمالی بر بیانات و استفتائات مقام معظم رهبری درباره موسیقی، پایگاه اینترنتی معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد به آدرس <http://farhangi.um.ac.ir> / تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۳، به آدرس اینترنتی <http://farhangi.um.ac.ir/portal/?q=node/23663>
- گزیده‌ای از بیانات رهبر معظم انقلاب، تعهد در قبال فرم و مضمون لازم است، رسالت هنر انقلابی، پایگاه خبری رهبری به آدرس <http://farsi.khamenei.ir>، تاریخ ۱۷ فروردین ۱۳۹۴، به آدرس اینترنتی <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29375>
- صحیفه امام خمینی، تجلیل از هنر و هنرمندان متعهد، جلد ۲۱، پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران به آدرس <http://www.jamaran.ir>، تاریخ ۳۰ شهریور ۱۳۶۷.
- آیین نامه نظارت بر نمایش فیلم و اسلاید و ویدئو و صدور پروانه نمایش ۱۳۶۱ و اصلاحیه آن مصوب ۱۳۶۴، برگرفته از پرتال مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به آدرس <http://rc.majlis.ir>، تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۷۷، به آدرس اینترنتی <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/118562>

قدرت نرم

قدرت

قدرت

قدرت

قدرت

قدرت

قدرت

قدرت

قدرت